

ارزیابی طبقه‌بندی زندانیان در نظام عدالت کیفری ایران با رویکردی تطبیقی

آزاده صادقی^{۱*}، مهدی غلامپور^۲

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران
۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

چکیده

کیفرشناسان معتقدند طبقه‌بندی زندانیان در صورتی که براساس نظریه بازپروری صورت گیرد، می‌تواند با کاهش خشونت، امنیت زندان را تامین و به‌واسطه دسترسی زندانیان به برنامه‌های بازپرورانه، اصلاح و درمان را محقق و در نهایت مشکل تورم جمعیت کیفری را برطرف کند. ایالات متحده آمریکا و کشورهای حوزه اسکانندیناوی از جمله کشورهایی هستند که با توسعه مدل‌های مختلف زندان به ظرفیت طرح‌های طبقه‌بندی و ارزیابی و اجرای درست آنها به منظور کنترل جرایم تمرکز کرده‌اند. به موازات اهمیت این مساله در مطالعات اخیر، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی فرایند طبقه‌بندی زندانیان در نظام عدالت کیفری ایران با جهت‌گیری تطبیقی بپردازد. برای انجام این امر از دو روش تحقیق تحلیل اسناد و مدارک و مصاحبه عمیق (با زندانیان و کارکنان زندان‌ها) استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که به رغم تحولات موجود در آیین‌نامه سازمان زندانها (مصوب ۱۴۰۰)، آزادی عمل قابل توجهی در چگونگی توزیع زندانیان وجود دارد و حتی رویه‌های موجود وضعیت بازطبقه‌بندی زندانیان را تعیین می‌کند. علاوه بر این، تورم جمعیت کیفری بر چگونگی طبقه‌بندی بزهکاران سایه انداخته و حتی موجب تغییر کارکرد زندان‌های باز و نیمه-باز شده است.

E-mail: az.sadeghi@umz.ac.ir

* نویسنده مسؤول مقاله:



واژگان کلیدی: زندان بسته، زندان باز و نیمه‌باز، طبقه‌بندی زندانیان، طبقه‌بندی عینی.

۱. درآمد

هر چند در گذشته زندان به عنوان مکانی بسته و دارای حفاظت‌های ویژه معرفی می‌شد، ولی در حال حاضر با معرفی مدل‌هایی جدیدی که معمولاً تحت عنوان زندان‌های نیمه‌باز یا باز از آن‌ها یاد می‌شود، تصور از این نهاد تغییر پیدا کرده‌است. به موازات توسعه مدل‌های جدید، توزیع زندانیان در یکی از انواع زندان‌ها، از اساسی‌ترین تصمیماتی تلقی می‌شود که باتوجه به ماهیت بازپرورانه زندان، اهداف نظام عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبقه‌بندی تجربه زندانی از مجازات زندان را شکل می‌دهد؛ درواقع، بسته به اینکه زندانی در کدامیک از انواع زندان‌ها قرار بگیرد، برنامه‌های اصلاح‌و‌درمان، و نحوه رفتار با وی متفاوت خواهد بود.

به باور بسیاری از کیفرشناسان، طبقه‌بندی یکی از ابزارهای مهم برای توزیع منابع زندان و کاستن از توانایی زندانیان برای ایجاد خشونت و فرار از زندان به شمار می‌آید. براین اساس، طبقه‌بندی نادرست زندانیان، افزون بر آنکه اصلاح‌و‌درمان را بی‌نتیجه می‌گذارد، می‌تواند ظرفیت خشونت‌گری آنها را نیز افزایش دهد (Sherme & Bierie & Stock, 2013, p.1249). افزون براین، برخی پژوهشگران معتقدند یکی از دلایل مهم تورم جمعیت کیفری زندان‌ها، طبقه‌بندی نادرست زندانیان است. حتی نتایج برخی پژوهش‌ها در مورد رابطه میان برچسب نوع طبقه‌بندی و رفتار زندانیان نشان می‌دهد که طبقه‌بندی زندانیان نوعی برچسب‌زنی آنان است که می‌تواند احتمال رفتارهای مجرمانه را بیشتر سازد. (Worrall & Morris, 2011, p.147-148).

در نظام عدالت کیفری ایران، بر طبق آخرین تقسیم‌بندی (تبصره ۱ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک)، زندان‌ها به زندان‌های بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال (و مراکز اقدامات تامینت‌امینی و تربیتی) تقسیم شده‌اند. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینت‌امینی و تربیتی (مصوب ۱۴۰۰/۲/۲۰) در ماده ۱ همین تقسیم‌بندی را

تکرار کرده است. مقامات نیز تلاش می‌کنند تا با اتکا بر هدف بازپروری، زندانیان را طبقه‌بندی و آنان را به زندان مناسب برای اصلاح انتقال دهند (نیازپور، ۱۳۹۵، ص ۱۸۵). بنابراین، معیارهای انتخاب مقامات در توزیع زندانی‌ها در تحقق تعهدات بازپرورانه نهاد زندان و کاهش تکرار جرم اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت.

بر همین اساس، مقاله حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که عملکرد نظام عدالت کیفری در رابطه با طبقه‌بندی زندانیان در یکی از اقسام زندان‌ها چگونه ارزیابی می‌شود؟ اینکه چه کسانی تصمیم‌گیرندگان اصلی در طبقه‌بندی زندانیان هستند و باتکیه بر چه متغیرهایی اقدام به طبقه‌بندی زندانیان می‌کنند، از مهمترین موضوعات قابل ارزیابی در این زمینه به‌شمار می‌آیند. به‌طور خاص، باتوجه به آنکه در کشورهای مختلفی همچون ایالات متحده آمریکا، اسپانیا و کشورهای حوزه اسکاندیناوی، مدل‌های مختلفی از زندان‌ها وجود دارد، مطالعه تطبیقی چگونگی طبقه‌بندی زندانیان در این کشورها، این امکان را فراهم ساخت که به درک عمیق‌تری در رابطه با چگونگی طبقه‌بندی و کارکردهای آن دست بیابیم.

مقاله پیش‌رو، برای دستیابی به پاسخ مسائل مطرح شده از دو روش تحلیل اسناد مدارک و مصاحبه عمیق بهره گرفته و یافته‌های پژوهش را در قالب چند بخش ارائه می‌کند: تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در مورد چگونگی توزیع زندانیان در قسمت اول تحلیل خواهد شد. امکان اعتراض زندانیان به نوع طبقه‌بندی و بازطبقه‌بندی در بخش‌های بعد بررسی می‌شوند. ادامه بحث به بررسی تصمیمات طبقه‌بندی پیرو ایده کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و تاثیر آن بر زندان‌های باز و نیمه‌باز و همچنین، عدم طبقه‌بندی گروهی از زندانیان اختصاص خواهد داشت.

۱. کشورهای حوزه اسکاندیناوی در این پژوهش مترادف با کشورهای نورودیک است که علاوه بر نروژ، دانمارک و سوئد، شامل فنلاند، ایسلند و جزایر وابسته به آنها می‌شود.

۲. چارچوب مفهومی

زندان در نوع سنتی خود اصولاً مکانی تعریف شده که در آن آزادی زندانیان توسط حفاظ‌ها سلب و مراقبانی عموماً مسلح مراقبت می‌کردند تا وظیفه این نهاد محقق شود. این نوع نگهداری، مستلزم یکسونگری و جمع‌آوری زندانیان تحت عنوان واحد زندانی بود، اما توسعه اندیشه‌های اصلاح‌و‌درمانی موجب شد تا هم معنای محرومیت از آزادی تغییر کند و هم زندانیان دیگر به‌عنوان اشخاص دارای شخصیت واحد تصور نشوند. براساس همین طرز تلقی جدید، تقسیمات درونی در نهاد زندان روی داده که بر کیفیت زندگی زندانیان تاثیر می‌گذارد؛ به طوری که آنان می‌توانند تجربه‌های متفاوتی از محرومیت از آزادی بدست آورند.

نظام‌های عدالت کیفری از عناوین و معیارهای مختلفی برای تقسیم‌بندی زندان استفاده کرده‌اند. در ایالات متحده، زندان‌ها اصولاً براساس سطوح امنیتی به درجات متفاوتی از امنیت همانند زندان‌های باامنیت پایین، زندان‌های باامنیت متوسط و زندان‌های باامنیت بالا^۱ تقسیم می‌شوند که زندانیان در آنها با توجه به معیارهای در نظر گرفته شده، اسکان داده می‌شوند.^۲ در زندان‌های باامنیت بالا^۳، حفاظت‌های فیزیکی فوق‌العاده‌ای وجود دارد و زندانیان تحت رژیم خاصی نگهداری و در صورت نقض قواعد با ضمانت‌اجراه‌های شدیدتری مواجه و برنامه‌های درمانی فشرده‌ای در مورد آنان اجرا می‌شود. در زندان‌های باامنیت متوسط محدودیت‌های کمتری برای زندانیان وجود دارد. زندان‌های باامنیت پایین نیز اصولاً برای بزهکاران کم‌خطر تعیین

۱. Maximum Security, Medium Security, Minimum Security Prisons.

۲. گاه نیز علی‌رغم تکیه بر معیار امنیتی، زندان‌ها در نهایت براساس اعداد نامگذاری می‌شوند. برای نمونه، زندان سطح یک، سطح دو، سطح سه، سطح چهار و سطح پنج در ایالت کالیفرنیا (Tahamont, 2013: 36-37).

۳. زندانیان در زندان‌های باامنیت بالا، اکثر اوقات شبانه روز (معمولاً حدود ۲۰ الی ۲۲ ساعت) در سلول به تنهایی زندگی می‌کنند و میزان محدودیت‌های آنها از جمله جستجوی سلول‌ها یا برقراری ملاقات تحت شرایط خاص، بالاست.

شده که در برخی اقسام آن زندانیان بدون مراقبت به کارگمارده می‌شوند و سپس به خوابگاه‌های خود برمی‌گردند (Sherme & Bierie & Stock, 2013, p.1251).

قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان (قواعد ماندلا)^۱ نیز علی‌رغم اینکه به صراحت تقسیم‌بندی از انواع زندان‌های ممکن ارائه نکرده، ولی طی قاعده ۸۹، اجازه تقسیم زندان‌ها را براساس درجات امنیتی متفاوت با تکیه بر هدف اصلاح و درمان داده است. نمونه آشکار این طبقه‌بندی، زندان‌های بازاند که با توجه به تمرکز بر خودتنظیم‌گری و افزایش احساس مسئولیت، می‌توانند بهترین شرایط را برای تحقق بازپروری فراهم آورند.

در کشورهای اسکاندیناوی اصولاً زندان به دو نوع زندان بسته و باز^۲ تقسیم می‌شوند که نوع اول دربردارنده موسسات کوچکی است که بین ۵۰ تا ۳۵۰ نفر ظرفیت دارد. مقصود از نوع دوم که با هدف کاهش فاصله فیزیکی و اجتماعی میان زندانی و دنیای بیرون از زندان ساخته شده‌اند، مکان‌هایی شبیه خوابگاه است که فاقد محیط احاطه‌کننده بوده و زندانیان در آنجا فعالیت‌های شغلی را با همراهی مامورانی که از وسایل مراقبتی استفاده نمی‌کنند، انجام می‌دهند (Reiter, Sexton, & Sumner, 2018: 109; Lappi-Seppälä & Tonry, 2011, p.1).

در ایران براساس آیین‌نامه زندان‌ها مصوب ۱۳۵۴، سه نوع زندان بسته، نیمه‌باز و موسسات صنعتی و کشاورزی (زندان باز)^۳ وجود داشت که زندان بسته با حفاظت کامل توسط ماموران مسلح توصیف می‌شد. زندان نیمه‌باز نیز زندانی بود که

۱. United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (the Nelson Mandela Rules): 17 December 2015

۲. Closed and Open prisons.

۳. برای نمونه، در فنلاند زندان‌ها در دو نوع بسته و باز به کار گرفته می‌شوند که نوع بسته آن خود به زندان‌های مرکزی (Central Prisons)، زندان‌های استانی (Provincial Prisons) و زندان نوجوانان (Juvenile Prison) تقسیم می‌شود (Ekunwe, 2007: 31). به طور مشابه در دانمارک نیز همین تقسیم‌بندی کلی حاکم است.

۴. به جز اینها دارالتادیب، بازداشتگاه، مرکز پذیرش و تشخیص نیز در این ماده احصا شده بودند که از بحث ما خارج است.

زندانیان تحت مراقبت ماموران مشغول فعالیت شغلی در مکانی محصور بوده و سپس به آسایشگاه بازمی‌گشتند. در مقایسه با اینها، قانونگذار موسسات را به دو دسته موسسات داخل و خارج زندان تقسیم کرد و در مورد دسته‌ی دوم، عنوان زندان باز را برگزید که مقصود از آن زندانی بود که ممکن است بدون حفاظت خارجی باشد و زندانیان آزادانه به فعالیت‌های شغلی خود پرداخته و سپس به خوابگاه مراجعت کنند. آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۰، با اندکی تغییر زندان‌ها براساس ماده ۵ به زندان‌های بسته، نیمه‌باز، باز و مجتمع‌های حرفه‌آموزی و کاردرمانی (اردوگاه) تقسیم گردید، ولی همان ویژگی‌های پیشین در تعاریف محفوظ ماند.

تدوین‌کنندگان آیین‌نامه سال ۱۳۸۴ با تغییر رویه، زندان‌ها را به دو دسته زندان‌های بسته و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال تقسیم کرده بودند، ولی قانونگذار این طبقه‌بندی را هم در سال ۱۳۹۲ تحت تبصره ۱ ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک تغییر داده و زندان‌ها را به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال تقسیم کرد. به دنبال این تغییر، آیین‌نامه مصوب ۱۴۰۰ ضمن پیروی از ماده ۵۱۳، هر یک از زندانها در بند الف ماده ۱ تعریف کرده که با اندکی تسامح مفاهیم مندرج در آیین‌نامه‌های پیشین را بازتاب می‌دهد.

باتوجه به وجود انواع مختلف زندان‌ها، طبقه‌بندی زندانیان، فرایند قراردادن زندانیان در گروه‌های مشابه است که عموماً با تکیه بر هدف مدیریت زندان، انجام برنامه‌های بازپرورانه متناسب باهرگروه و نیازهای امنیتی از جمله کاهش خشونت و فرار آنان صورت می‌گیرد. گروه‌های مختلف زندانیان تحت تاثیر این تصمیمات محرومیت‌های مختلفی را تجربه می‌کنند که انگیزه‌ها و احساس مسئولیت آنان را پرورش می‌دهد یا از میزان آنها می‌کاهد.

پژوهشگران طبقه‌بندی زندانیان را در دو سطح تقسیم کرده‌اند: طبقه‌بندی سطح اول یا خارجی که ناظر بر توزیع و قراردادن زندانیان در یکی از اقسام زندان‌ها براساس معیارهای هر نظام عدالت کیفری بوده است (Austin & Hardyman,

(2004). براساس، قاعده‌های ۸۹ و ۹۳ قواعد ماندلا، تحقق سیاست‌های اصلاح-ودرمانی منوط به تدوین سیستم انعطاف‌پذیر در توزیع زندانیان در زندان‌های جداگانه مناسب برای درمان آنها است. در پژوهش حاضر نیز منظور از طبقه‌بندی زندانیان، همین برداشت است.

به‌هرروی، پس از تعیین نوع زندان محل اقامت زندانی، مقامات بایستی محل اسکان وی در زندان مربوطه را باتوجه به معیارهای موردنظر مشخص کنند که به آن طبقه-بندی داخلی گفته می‌شود (Narag & Galehan & Jones, 2018, p.2). ماهیت این نوع تصمیم‌گیری در قاعده شماره ۱۱ قواعد ماندلا تبیین شده‌است که به موجب آن، گروه‌های متعلق به یک طبقه بایستی براساس جنس، سن، سوابق کیفری و وضعیت قضایی در مکان‌های جداگانه نگهداری شوند. در نظام عدالت کیفری ایران، مفهوم طبقه‌بندی در بند «ر» ماده ۱ آیین‌نامه جدید سازمان زندان‌ها درج گردیده‌است که هر دو مفهوم طبقه‌بندی داخلی و خارجی زندانیان را در بر می‌گیرد و برنامه‌های اصلاحی متناسب با هر طبقه براساس ماده ۷۹ در مورد آنها اجرا می‌شود.

۳. مبنای نظری طبقه‌بندی زندانیان

در عصر بازپروری در ایالات متحده، چرایی توزیع زندانیان در بخش‌های جداگانه با اتکاب ظرفیت‌های اصلاحی متفاوت آنها و براساس قضاوت کمیته‌های کارشناسی توجیه می‌شد. اینگونه تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر ارزیابی‌های شخصی، به مرور زمان با آشکار شدن ضعف‌ها در فرایند توزیع، معیارها و همچنین تعداد کارشناسان در معرض نقدهای فراوان قرار گرفتند و در نهایت باتوجه به کاهش اعتماد به بازپروری، کنار گذاشته شدند.

همراه با حاکمیت رویکردهای سنجش خطر ارتکاب جرم، ضرورت مدرنیزاسیون زندان‌ها و تغییر نظام حاکم بر اداره زندانیان با تکیه بر مقوله‌هایی پراهمیتی همانند امنیت و مقرون به صرفگی آشکار شد. این جهت‌گیری جدید، مجموعه گفتمان‌ها و

رویه‌هایی را دربرمی‌گیرد که بازپروری بزهکاران را در الویت قرار نمی‌دهد، بلکه بیشتر، مدیریت احتمال ارتکاب جرم و حفظ امنیت مردم را پی‌می‌گیرد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۸، ص ۷۲۷). در همین راستا، طبقه‌بندی زندانیان به‌عنوان یکی از سیاست‌های مدیریت جمعیت پرخطر زندانیان و کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری، به جای آماده‌سازی برای بازگشت به اجتماع مورد توجه مقامات قرار گرفت. در چنین بستری، توسعه دانش فناوری فرصت طراحی و استفاده از نرم‌افزارهای آماری را فراهم ساخت که همگام با اهداف مدیریت‌گرایی، میزان خطر بزهکاران را شناسایی و آنها را در گروه‌های جداگانه قرار می‌دادند. بدین ترتیب، ابزارهای آماری سنجش خطر زندانیان تدوین و در اکثر زندان‌های ایالات متحده برای طبقه‌بندی در زندان‌ها براساس سطوح امنیتی متفاوت به کار گرفته شد. به رغم نتایج اشتهایی که این طبقه‌بندی‌ها به وجود می‌آوردند، گفتمان مدیریت‌گرا و خطرمدارانه جامعه به‌عنوان حامی قوی اینگونه طبقه‌بندی‌ها عمل می‌کردند.

به موازات کاهش محبوبیت دیدگاه‌های سنجش خطر جرم برای کنترل جرایم، انتقادات در مورد تاکید بیش‌ازاندازه بر این طبقه‌بندی‌های امنیت‌گرایانه اهمیت یافت. بنابر ارزیابی‌های موجود، این طبقه‌بندی‌ها در کنترل خشونت در میان زندانیان و حتی کاهش هزینه‌ها ناموفق عمل کرده‌اند (Sherme & Bierie & Stock, 2013). برخی پژوهشگران امنیت‌مداری حاکم بر این متد طبقه‌بندی را «محدودسازی نامیده و معتقدند که این موضوع، وضعیت ذهنی بزهکاران را تحت تاثیر قرار داده و موجب پذیرش هویت پرخطر و خشونت‌طلب از سوی زندانی شده‌اند که به نتیجه معکوس افزایش جرایم انجامیده است.

پیرو اهمیت یافتن جنبش اثربخشی و طرح سیاست‌های تجربه‌محور در حوزه عدالت کیفری، رویکرد مدرن به بازپروری شکل گرفت که بر اساس آن می‌توانیم با شناسایی نیازهای جرم‌زا و همچنین ارزیابی میزان خطر زندانیان، آنان را در گروه-

های جداگانه توزیع و برای هر گروه یا شخص، برنامه درمانی مناسب برای برطرف کردن آن نیازها را اجرا نماییم. نرم افزارهای آماری در راستای چنین هدفی بهینه سازی شده اند و کارشناسان نیز ارزیابی های تکمیلی خود را برای تصمیم گیری نهایی ارائه می کنند. این نوع ارزیابی که در ادبیات برخی جرم شناسان به عنوان «ارزیابی خطر تجربه محور» یاد می شود، با اولویت بخشی به ابعاد اصلاحی طبقه بندی، زندانیان را برای ورود به جامعه آماده می کند (Long, 2020).

در مجموع، هرچند در حال حاضر هنوز دغدغه های امنیت گرایانه در زندان های ایالات متحده به چشم می خورد، ولی با توجه به نفوذ جنبش اثربخشی در مداخله های عدالت کیفری، طبقه بندی زندانیان نیز همسو با این جریان کلی، تحت تاثیر سیاست های بازپرورانه در حال تغییر است؛ گرچه همچنان می تواند ویژگی های امنیت گرایانه را نیز دارا باشد. بنابراین، در عین تحقق اهداف مدیریتی، برنامه های اصلاح و درمانی متناسب با نیازهای بزهکاران نیز اجرا می شود (Frisch-Scott, 2020).

در مقابل، در کشورهای اسکاندیناوی، در چندین دهه اخیر عدالت کیفری همواره در برابر رویکردهای ناتوان کننده مقاومت کرده و به اندیشه های بازپروری وفادار است. بنابر همین نگرش، زندان اصولاً به عنوان مکانی نگریسته می شود که در آن فقط آزادی زندانیان سلب می شود و حتی دولت ها وظیفه اصلاح آنان را برعهده دارند. این طرز تلقی از واقعیت زندان، خوداز سنت فکری حاکم بر این کشور الهام می گیرد که به موجب آن مساوات گرایی و اعتقاد به دولت رفاه، یکی از مولفه های مهم در ساختار اجتماعی جامعه به حساب می آید (Pratt, 2008). به همین جهت، بیگانه پنداری و خطرناک شمردن، طرز فکر رایج را تشکیل نمی دهد. در این چارچوب فکری، طبقه بندی زندانیان یکی از مهمترین شیوه های است که زندانیان را برای دریافت برنامه های اصلاح و درمانی متناسب آماده می سازد.

۴. روش‌شناسی

مقاله حاضر در چارچوب پژوهش‌های کیفی از دو روش تحقیق برای بررسی موضوع پژوهش استفاده کرده‌است: نخست، تحلیل محتوای کیفی مضمونی^۱: در این نوع تحلیل محتوا، محقق مضمون متن‌های مورد مطالعه را در رابطه با موضوع پژوهش، کدگذاری و سپس تفسیر می‌کند. در این راستا، محتوای آیین‌نامه‌های سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی (پیش و پس از انقلاب)، قانون آیین دادرسی کیفری، آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان و دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندانیان مصوب ۱۳۹۸ تحلیل گردید. از سوی دیگر، از مطالعه تطبیقی برای شناخت بهتر فرایند طبقه‌بندی بهره گرفته شد. بررسی نظام‌های عدالت کیفری مختلفی همچون ایالات متحده و کشورهای اسکاندیناوی در رابطه با فرایند طبقه‌بندی زندانیان، امکان فهم و کشف نقاط ضعف مقررات و عملکرد مقامات عدالت کیفری ایران را فراهم ساخت.

دوم: مصاحبه عمیق با گروهی از زندانیان و کارکنان زندان‌ها: مصاحبه عمیق نوعی ابزارگردآوری اطلاعات است که با تمرکز بر پرسش‌های باز از مصاحبه‌شوندگان و جهت‌دهی به آنان در مسیر مساله تحقیق، می‌تواند و زوایای پنهان موضوع را آشکار سازد. مصاحبه با زندانیان و کارکنان رویه‌های حاکم بر طبقه‌بندی زندانیان، چگونگی اجرای مقررات، چرایی انحراف از آنها و نتایج حاصل را به صورت شفاف نشان می‌دهد. در چنین بستری با روش گلوله برفی، شماری از زندانیان و کارکنان زندان‌ها انتخاب و سپس اطلاعات حاصل از آنها کدگذاری و مورد تحلیل مضمون براساس مساله پژوهش قرار گرفت.

۱. Thematic Content Analysis

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. آزادی عمل تصمیم‌گیرندگان در طبقه‌بندی زندانیان

موفقیت طرح‌های طبقه‌بندی در دستیابی به اهداف بازپرورانه منوط به تعیین معیارهای درست برای شناسایی گروه‌های مختلف زندانیان است. در گذشته در بیشتر کشورها از جمله ایالات متحده، نظر نهایی متخصصان با اتکاب معیارهای مرسوم همانند سابقه کیفری، نوع جرم، مبنای اصلی طبقه‌بندی زندانیان محسوب می‌شدند (Long, 2020, p.19) که با توجه به عدم توفیق سیاست‌های حاکم بر زندان‌ها در کاهش نرخ تکرار جرم، به عنوان طبقه‌بندی‌های غیرقابل اعتماد، دستخوش انتقادات فراوانی قرار گرفتند و همراه با تدوین نرم‌افزارهای آماری جای خود را به طبقه‌بندی‌های عینی به عنوان راهکار مدیریت تجربه‌محور زندان دادند (Narag & Galehan & Jones, 2018, p. 3).

در این نوع طبقه‌بندی‌ها، متغیرهای تاثیرگذار در سنجش نیازهای جرم‌زا و همچنین میزان خطر محکومان تعیین و برای هر یک از آنان در قالب نرم‌افزارهای خاص آماری، نمره‌ای جداگانه تخصیص داده می‌شود. سپس، تصمیم‌گیرندگان با اتکاب امتیازاتی که برای هر زندانی در نظر گرفته شده است، نوع زندان مناسب زندانی را با توجه به مجموع امتیازات وی مشخص می‌سازند. البته، همه ایالات در آمریکا از مدل طبقه‌بندی واحدی استفاده نمی‌کنند و در واقع، این ابزارهای آماری حسب اینکه محتوای اطلاعات و نحوه امتیازبندی به چه صورتی است و تا چه میزان آزادی عمل در تغییر جایگاه نهایی وجود دارد، از یکدیگر متفاوت‌اند. البته امکان بروز اشتباهات در این فرایند، موجب شده تا این ابزارها به منظور افزایش قابلیت پیش‌بینی‌پذیری به طور مستمر مورد بازبینی قرار گیرند (Long, 2020, p.19).

۱. در ایالات متحده آمریکا حداقل ۵۱ مدل طرح طبقه‌بندی در زندان‌های ایالتی یا فدرال وجود دارد و به همین دلیل نمی‌توان آنها را به راحتی تشریح و تقسیم کرد.

در کشورهایی که زندان‌ها به دو نوع باز و بسته تقسیم می‌شوند، شرایط جداگانه-ای برای برخورداری زندانیان از زندان باز پیش‌بینی شده است. در برخی مدل‌ها نظیر زندان‌های باز در کاتالونیا، محدودیت‌های بسیار کمی در تعیین ویژگی مشمولان وجود دارد؛ به طوری که در قریب به اتفاق محکومیت‌ها، می‌توان از همان ابتدا زندانی را مشمول این نوع زندان ساخت؛ ولی بررسی رویه‌های موجود نشان‌دهنده آن است که به رغم این آسان‌گیری، تنها حدود ۱۰ الی ۱۲ درصد از زندانیان مشمول زندان باز می‌شوند (Martí, 2019, p.214). اما در برخی دیگر از مدل‌های تصمیم‌گیری، شرایط خاصی برای این برخورداری پیش‌بینی شده است. در نروژ تنها در جرایم غیرعمدی و رانندگی در حال مستی می‌توان از همان ابتدا فرد را مشمول زندان باز قرارداد، ولی در سایر جرایم عمدی بزهکاران اصولاً می‌بایست مدتی از محکومیت خود را در زندان بسته بگذرانند و در بخش پایانی محکومیت به زندان باز منتقل شوند. با وجود این سخت‌گیری، در عمل حدود یک‌سوم زندانیان محکومیت خود را در این نوع زندان‌ها به پایان می‌رسانند (Shammas, 2015, p.3-4).

در ایران تا پیش از آیین‌نامه ۱۳۸۴، شرایط ویژه‌ای برای برخورداری از هر یک از زندان‌های نیمه‌باز و باز وجود داشت، ولی آیین‌نامه مذکور با ایجاد تغییرات اساسی و بدون پیش‌بینی شرایط جداگانه برای مشمولان زندان‌های باز و نیمه‌باز، ضمن ماده ۸ و ۶۹ معیارهای طبقه‌بندی زندانیان را به‌طور کلی با ارجاع به مفاهیم نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری، شخصیت، اخلاق و رفتار مشخص کرد که اختیار مطلق تصمیم‌گیرندگان را بازتاب می‌داد. قانونگذار در ۱۳۹۲ این تبصره را طی تبصره ۲

۱. البته، قانونگذار به صورت کلی شایستگی زندانی برای بهره‌مندی از این نهاد و پرداخت خسارات بزه‌دیده یا قرار پرداخت آن را لازم دانسته است. افزون بر این، اصلاحات کیفری سال ۲۰۰۳، شرط برخورداری محکومان به سوءاستفاده جنسی و تروریسم از زندان باز را گذراندن حداقل نصف مدت محکومیت در زندان بسته قرار داد. در سال ۲۰۱۵ نیز قانونگذار استثنایی دیگر را برشمرده که به موجب آن محکومان به حبس ابد بایستی حداقل ۱۵ سال از محکومیت خود را در زندان بسته بگذرانند تا بتوانند مشمول زندان باز شوند (Martí, 2019, p. 214).

ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک اصلاح کرد ولی با ارجاع به معیارهای تکراری و کلی نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیت، انتقاد پیشین را بی پاسخ گذاشته است. در آیین نامه جدید در بخش تعریف طبقه بندی، علت ارتکاب جرم، پیشینه کیفری، وجود حالت خطرناک، شخصیت و نمره اعتباری زندانی براساس ارزیابی سامانه سجازا^۱، معیارهای توزیع زندانیان در یکی از زندانها معرفی شده اند. به موازات همین موضوع، بنابر تبصره ۲ ماده ۸۰، کسب درجه اعتباری حاصل از سجازا ملاک برخورداری زندانیان از زندان نیمه باز یا باز عنوان و زندانیان به چهار درجه ضعیف، متوسط، خوب و عالی توصیف شده اند. بنابراین، گویی از این پس فرایند طبقه بندی زندانیان با تکیه بر ارزیابی های سجازا صورت می گیرد. لکن، هیچگونه اطلاعاتی از چگونگی نمره دهی و تاثیرگذاری متغیرهای مورد نظر قانونگذار، نحوه رتبه بندی زندانیان و موارد مورد نظر در نمره دهی، مشخصات ارزیابان درج نشده و به طور کلی عینیت یافتن این روش جدید در نظام طبقه بندی زندانیان به تهیه دستورالعمل اجرایی سازکار ثبت رفتارهای زندانی در پرونده رفتاری موکول شده است.

با وجود تدارک این شیوه، با توجه به تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۴، در نهایت پیشنهادات سجازا جنبه مشورتی خواهد داشت^۲؛ از این حیث که مصوبات شورای طبقه بندی در رابطه با توزیع زندانیان در یکی از زندانها نیازمند کسب نظر اکثریت و همچنین موافقت قاضی اجراست. البته، تنظیم کنندگان آیین نامه در خصوص مشمولان زندان باز، گذراندن حداقل یک ششم مجازات در حبس های درجه سه و پایین تر و حداقل سه سال در حبس های بالاتر از پانزده سال را بنابر ماده ۱۸۳ لازم دانسته و از سوی دیگر، محدودیت هایی را طی ماده ۱۸۴ بر شمرده که امکان برخورداری از زندان باز را برای دسته ای از زندانیان منع یا محدود می کند. حال آنکه بازپروری مقتضی آن است تا با

۱. بند ز ماده ۱ آیین نامه

۲. در تبصره ۲ ماده ۲۴ آیین نامه به ذکر این موضوع بسنده شده که در صورت عدم پذیرش پیشنهاد سامانه سجازا از سوی شورای طبقه بندی، علت مخالفت به صورت کتبی و مستدل در سامانه و پرونده ثبت می شود.

تکیه بر ارزیابی‌های جامع خطر و نیاز و نه صرفاً با اتکاب بر میزان مجازات و نوع جرایم ارتكابی، در فرایند تدریجی درمان، نوع زندان و برنامه‌های درمانی متناسب با شخصیت وی مشخص شود.

به‌رغم اینکه به صراحت در بحث طبقه‌بندی هدف از تدوین سبازا کاهش سلیقه شخصی توصیف شده، ولی در مجموع می‌توان هنوز دیدگاه‌های مقامات مسؤو طبقه‌بندی را معیار نهایی برای چگونگی توزیع زندانیان دانست. با توجه به این آزادی عمل قانونی، انتخاب‌های سلیقه‌ای و به تبع آن احتمال بروز تبعیض در میان زندانیان دور از ذهن نخواهد بود.

نگاهی به ترکیب مقامات تصمیم‌گیرنده در فرایند طبقه‌بندی، درک آثار سوء ناشی از این آزادی عمل را آسان‌تر خواهد کرد. قانونگذار پیش از انقلاب، صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد چگونگی طبقه‌بندی زندانیان را بر عهده شورای طبقه‌بندی قرار می‌داد که کارشناسان امور پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی و جامعه‌شناسی نیز از اعضای آن بودند و بنابراین تا اندازه‌ای دغدغه توجه به ملاحظات علمی در تعیین سرنوشت زندانی تأمین می‌شد. اما نگاهی به آیین‌نامه‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۴ و ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که ترکیب اعضای شورا از اولویت‌های علمی فاصله گرفته است. نمونه آشکار این موضوع را می‌توان در آیین‌نامه ۱۴۰۰ و حذف مددکار اجتماعی به‌عنوان اعضای شورا و عضویت یکی از دو شخص مسؤو واحد بهداشت و درمان و یا روانشناس در ترکیب اعضای شورا مشاهده نمود؛ حال آنکه مطالعات کیفی‌شناختی نشان می‌دهند که اصولاً ترکیب اعضای تصمیم‌گیرنده بایستی با توجه به نیازها و خطرهای زندانیان تنظیم شود و ارزیابی‌کنندگان با توجه به تنوع نیازهای جسمی، روانی، اجتماعی بزهکاران بایستی از گروه‌های مختلف محققان برای تخمین میزان خطر و نیاز زندانی باشند (Bryans & Atabay, 2016, p.33).

به‌طور خاص، گزارش‌ها و قضاوت‌های اعضای حفاظتی و امنیتی در عمل تأثیر فوق‌العاده‌ای بر نتایج تصمیم‌گیری خواهد داشت. وقتی که غالب اعضای تصمیم‌گیرنده،

بیشتر در ترکیب حفاظتی دسته بندی شوند، با توجه به اولویت ابعاد امنیتی در مقایسه با ابعاد بازپروری در میان این تصمیم گیرندگان، وجود تبعیض و محرومیت برخی زندانیان از طبقه بندی در زندان های نیمه باز و باز امری محتمل به نظر خواهد رسید (Crewe, 2011, p.462-463). در نظام عدالت کیفری ایران، ترکیب اعضای شورا و رویه های توزیع، گویای تاثیرگذاری قابل توجه اعضای امنیتی و توسل به دیدگاه های مدیریت گرا در تصمیم گیری ها است.

یافته های حاصل از مصاحبه ها نشان می دهد که سلیقه گرایی و آرای شخصی یکی از متغیرهای تاثیرگذار در تصمیم گیری ناظر بر توزیع زندانیان است. مصاحبه شونده شماره ۲ به وجود رویه های تبعیض آمیز اشاره می نماید. « ۵ سال محکومیت داشتم که هر بار تقاضای پسته^۱ (نیمه باز) یا رای باز رو می دادم، قاضی ناظر زندان چون با من بد بود، باهاش مخالفت می کرد و دست آخر سه ماه مونده بود که حکم تموم شه، منو رای باز کرد. خیلی از هم بندهام رو دیدم که شبیه من بودند». مصاحبه شونده شماره ۷ نیز اظهار می دارد: «من فکر می کنم که فقط نوع جرم را می بینند و احساس نمی کنم که چیز دیگه ای رو هم ببینند». اظهارات کارکنان زندان نیز وجود رویه های مختلف تصمیم گیری را آشکار می سازد؛ به باور برخی، در اکثر موارد بعد از یک سوم محکومیت، شورای طبقه بندی زندانی را مشمول نیمه بازو بعد از مدتی مشمول رای باز می کند ولی برخی معتقد بودند که در حال حاضر بعد از گذراندن یک ششم محکومیت، می توان زندانی را مشمول رای باز کرد.

جدای از این، قانونگذار در سال ۱۳۹۲ در تبصره ۲ ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک، اسکان زندانی در هر یک از زندان ها را در صورتیکه در حکم دادگاه یا قانون تعیین تکلیف نشده باشد، منوط به تصمیم شورای طبقه بندی و تایید قاضی اجرای احکام قرارداده-

۱. در ادبیات شفاهی رایج در فرهنگ زندان، منظور از پسته، زندان نیمه باز است.

است. ازیکسو، اولویت قاضی صادرکننده رای نسبت به تصمیمات شورای طبقه‌بندی در رابطه با نحوه استقرار زندانی، موضوعی است که بی‌شک سیاستگذاری عقلایی را زیرسوال می‌برد. ازسوی دیگر، تایید قاضی اجرای احکام که عموماً از شرایط واقعی زندانی بی‌خبر است، مساله جداگانه‌ای است که نشان می‌دهد قانونگذار کاملاً بی‌توجه به آثار تصمیمات راجع به طبقه‌بندی زندانیان بوده است.

تکیه بر تصمیمات مقامات قضایی در تشخیص زندان مناسب با زندانی در در نظام عدالت کیفری ایران در حالی صورت می‌گیرد که در بسیاری از کشورها این رویکرد قضایی مدت‌هاست که جای خود را به نظرات مدیران و هیات اجرایی ویژه در زندان‌ها داده است؛ با این اعتقاد که تعدد اعضای این هیات‌ها و همچنین تماس مستمرشان با زندانیان بهتر می‌تواند تقسیم‌بندی مبتنی بر اصلاح و درمان محقق‌سازد. اما در ایران قدرت تصمیم‌گیری در اختیار کسانی قرار گرفته که تماس بسیار سطحی با زندانی دارند. زندانیان نیز هیچگاه ممکن است درک نکنند که چگونه اشخاصی که آنها را به درستی نمی‌شناسند، در مورد آینده‌شان تصمیم می‌گیرند. این موضوع در بلندمدت چگونگی ارزیابی مقامات و مشروعیت نهاد زندان را برای زندانیان به چالش می‌کشد و تصور آنان از امکان بازپروری را کاهش می‌دهد (Crewe, 2011, p.462-463).

۲-۵. چالش ناظر بر حق اعتراض زندانیان

وقتی که مقامات بر باورهای خود در تصمیم‌گیری‌های ناظر بر توزیع زندانیان تکیه کنند، ممکن است در تعیین استحقاق زندانیان مرتکب خطاشوند که نتیجه عملی آن، افزایش انواع بدرفتاری‌ها در روابط میان زندانیان و ماموران زندان، هدررفت منابع عدالت کیفری و افزایش تکرار جرم خواهد بود. در واقع، یکی از دلایل عمده رویگردانی

۱. به جز مواردی که در قانون یا در حکم دادگاه تصریح شده است، محکومان باتوجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیتشان، براساس تصمیم شورای طبقه‌بندی و تایید قاضی اجرای احکام در یکی از بخشهای فوق نگهداری می‌شوند.

از طبقه‌بندی‌های ذهنی در بیشتر نظام‌های عدالت کیفری، اشتباهات مقامات تصمیم‌گیرنده و مسؤولیت‌پذیری پایین آنها در قبال این نوع تصمیمات هزینه‌بر بوده‌است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مقامات عدالت کیفری تمایل به طبقه‌بندی نادرست زندانیان دارند و اصولاً خطر زندانی را بیشتر از میزان واقعی ارزیابی و زندانی را به زندان بالاتر از سطح امنیتی مورد نیاز انتقال می‌دهند (Long, 2020, p. 19; Walsh & Wells & Gann, 2020). رویکرد مدرن بازپروری برای پرهیز از اینگونه سلیقه‌گرایی‌ها و همچنین اجرای سیاست‌های اثربخش، از طبقه‌بندی‌های عینی که امکان ارزیابی و به روزرسانی آنها در مقایسه با طبقه‌بندی‌های ذهنی بیشتر است، استفاده می‌کنند.

به‌هرروی، برای کاستن از پیامدهای سوء طبقه‌بندی نادرست، در ایالات متحده آمریکا اعتراض زندانیان نسبت به تصمیمات ناظر بر طبقه‌بندی در قالب اجرای مجازات‌های ظالمانه و نامناسب به رسمیت شناخته شده‌است؛ در واقع، به باور مقامات قضایی نگهداری زندانی در زندان بالاتر از سطح امنیتی مورد نیاز وی، از جمله مصادیق مجازات‌های ظالمانه محسوب می‌شود که قانون اساسی ایالات متحده آن را تحت اصل هشت و چهارده ممنوع شمرد. دیوان عالی ایالات متحده نیز با صدور آرای متعدد و ابطال تصمیمات طبقه‌بندی، از زندانیان برای درمان مناسب حمایت کرده‌است (Walsh & Wells & Gann, 2020).

با وجود فراهم بودن امکان اعتراض از طریق، پژوهشگران حوزه جرم‌شناسی محکومان معتقدند که زندانیان اصولاً آوا و قدرتی در تاثیرگذاری بر تصمیماتی که زندگی آنها در زندان و اصلاح و درمانشان را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد، ندارند. (ریچارد و رز ۲۰۰۳، ص ۲۴۴-۲۴۵) با برجسته‌ساختن این موضوع براین باورند که بایستی نقش زندانیان در چگونگی تصمیم‌گیری راجع به زندگی آینده در زندان بیشتر شود. در همین راستا، در برخی نظام‌های عدالت کیفری به‌صراحت حق اعتراض زندانی به این‌گونه تصمیمات پیش‌بینی شده‌است. برای مثال، در کاتالونیا امکان اعتراض، هم

از سوی دادستان و هم خود زندانی پذیرفته شده‌است و آنها می‌توانند بازنگری در تصمیمات راز مرجع قضایی مستقل خواستار شوند (Martí, 2019, p.214). بررسی مقررات نظام عدالت کیفری ایران در این زمینه بیانگر آن است که در هیچ دوره زمانی، حق اعتراض زندانیان نسبت به تصمیمات طبقه‌بندی پیش‌بینی نشده^۱، حال آنکه از حیث تطبیقی اعتراض زندانیان امری پذیرفته شده‌است. زندانی شماره ۴ مساله اعتراض در زندان را اینگونه توضیح می‌دهد که: «هر نوع اعتراضی تو زندان مرده، الکی میگن انجام میدیم ولی عملا کاری انجام نمی‌دند»، نتیجه‌گیری پیشین را منطقی نشان می‌دهد.

به باور لیبلینگ^۲ (۲۰۰۰) هنگامی که برای نهاد یا مقامی قائل به آزادی عمل باشیم، بایستی نظارت بر آزادی عمل نیز برایشان در نظر بگیریم. در صورتی که این موضوع وجود نداشته نباشد، مشروعیت تصمیم‌گیری زیرسوال خواهد رفت. حال آنکه در ایران عملاً نظارت واقعی وجود ندارد و مقامات می‌توانند هر تصمیمی که می‌خواهند راجع به محل استقرار زندانی بگیرند.

۳-۵. ابهامات قانونی باز طبقه‌بندی زندانیان

تغییر رفتارهای زندانیان طی تحمل محکومیت، پویایی نیازها و خطرها و پیش‌بینی احتمال بروز اشتباهات در تصمیم‌گیری‌ها، باز طبقه‌بندی زندانیان را یکی از اجزای

۱. البته، برای اولین بار آیین‌نامه جدید حق اعتراض زندانیان را در رابطه با تصمیمات رییس موسسه در مورد تطبیق و ابلاغ طبقه‌بندی زندانی طی تبصره ۲ ماده ۲۷ پیش‌بینی کرده است که باتوجه به ایراد نگارشی و مفهومی مندرج در ماده ۲۷، نمی‌توان آن را دقیقاً معنا نمود:

ماده ۲۷: پس از تکمیل پرونده وضعیت، رئیس موسسه با رعایت مصوبات کلی شورای طبقه‌بندی و پیشنهاد سامانه سجازا، برای بهره‌مندی زندانیان از برنامه اصلاح و تربیت معین و مناسب، نسبت به تطبیق و ابلاغ طبقه‌بندی زندانی و تفکیک و انتقال وی به بخش مربوط به موسسه، اقدام می‌نماید. چنانچه تصمیم رئیس موسسه مغایر با شورای طبقه‌بندی ارجاع می‌شود، پیشنهاد سامانه سجازا باشد یا زندانی به تصمیم رئیس موسسه اعتراض نماید، موضوع به .

۲. Liebling

ضروری بحث طبقه‌بندی معرفی که بدون آن اهداف نهایی دست‌یافتنی نخواهد بود. امکان بازطبقه‌بندی، می‌تواند زندانی را به سوی رفتارهای سازنده مجاب کند تا مقامات تصمیم‌گیرنده را به انتقال به زندان‌های با محدودیت کمتر متقاعد سازد. با توجه به این اندازه اهمیت، غیرمنطقی است اگر قائل به عدم نیاز به پیش‌بینی مقررات خاص ناظر بر بازطبقه‌بندی باشیم؛ چراکه در این صورت نه تنها فرایند تدریجی اصلاح بزهکار غیرممکن به نظر خواهد رسید، بلکه ممکن است با نتیجه معکوس افزایش خشونت و بدرفتاری‌های زندانی‌های بی‌انگیزه مواجه شویم.

به‌همین جهت، در اکثر نظام‌های عدالت کیفری، فرایند بازطبقه‌بندی طی دوره‌های زمانی مشخص پس از طبقه‌بندی اولیه صورت می‌گیرد (Sherme & Bierie & Stock, 2013, p.1250). براساس نتایج پژوهش‌ها، در ایالات متحده با توجه به اینکه زندانیان، احتمالاً بار اول در زندان بالاتر از سطح امنیتی خودشان توزیع می‌شوند، بازطبقه‌بندی اهمیت ویژه‌ای دارد، به طوری که در برخی ایالات مدت زمان لازم برای آغاز بازطبقه‌بندی شش ماه تعیین شده است. در این مرحله از تصمیم‌گیری، معیارهای اصلی ارزیابی مسائلی همچون مشارکت زندانی در برنامه‌های درمان و کسب نمره قابل قبول از آنها، کاهش رفتارهای خشونت طلبانه، پرهیز از همکاری با باندهای بزهکاری در زندان هستند که با تکیه بر آنها سرنوشت زندانی تغییر می‌یابد (Kratcoski, 2017, p.142). در این فرایند منظم، همه زندانیان بایستی مشمول ارزیابی مجدد برای تعیین سطح امنیتی زندان قرار گیرند، نه فقط کسانی که قواعد زندان را به درستی رعایت کرده و خواستار تغییر زندان خود هستند (Bryans & Atabay, 2016, p.33). در کشورهای اسکاندیناوی نیز اصولاً همه زندانیان به صورت دوره‌ای مشمول ارزیابی مجدد قرار می‌گیرند که این امکان انگیزه و مسؤلیت‌پذیری کافی برای توسعه رفتارهای مثبت جهت انتقال به زندانهای باز‌رایجاد می‌کند.

در ایران مساله بازطبقه‌بندی، آنگونه که فهم شد، اجرا نمی‌شود و بنابراین صحبت از تعیین زمان دقیق انجام این فرایند و معیارهای آن امکان‌پذیر نیست. ولی تبصره ۳ ماده ۲۷ آیین‌نامه جدید و همچنین رویه‌های طبقه‌بندی نشان می‌دهد که مقامات عدالت کیفری از بازطبقه‌بندی به‌عنوان یکی از وسایل مهم مدیریت زندان استفاده می‌کنند؛ هرچند این تصمیمات مقامات عدالت کیفری تحت قیده‌های زمانی و رعایت معیارهای خاص قرار نگرفته‌است. به رغم این پذیرش عملی، فقدان شاخص‌های پیش‌گفته، آیین طبقه‌بندی مجدد زندانیان را دچار نوعی بی‌نظمی می‌کند که حتی ممکن است برخی زندانیان را از فرصت اصلاح‌و‌درمان متناسب محروم کند.

ازسوی‌دیگر، این فرایند در مورد همه زندانیان صورت نمی‌گیرد و به جای آن، درخواست‌های زندانیان در رویه ملاک اصلی برای انجام بازطبقه‌بندی خواهد بود. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در خصوص این فرایند نهادینه‌شده اینچنین توضیح می‌دهد: «اعلام می‌کنند که کسانی که میخوان شورا شن، به ما بگن و خودشون بدون تقاضاهای ما هیچکاری نمی‌کنند». بقیه مصاحبه‌شوندگان نیز وجود این رویه را تایید کرده‌اند. امکان وجود تبعیض در میان زندانیان در چگونگی بازطبقه‌بندی بدین معناست که نقش این فرایند در انجام وظیفه اصلاحی زندان از نظر مقامات ناچیزاست.

۴-۵. حاکمیت دغدغه‌های مدیریتی به جای بازپروری در طبقه‌بندی زندانیان

میزان نفوذ مرزهای زندان‌های باز و نیمه‌باز به دنیای بیرون از زندان، ظرفیت بازپروری این زندان‌ها را بیشتر از زندان در نوع سنتی خود نشان می‌دهد، اما ممکن است بخاطر اولویت‌های تاثیرگذار بر تصمیمات مقامات، ماهیت آنان دچار تغییر شود. وجود دغدغه‌های خاص حتی موجب شده‌است تا در برخی موارد ضرورتی به طبقه‌بندی زندانیان احساس نشود.

۴-۵-۱. تغییر ماهیت زندان باز و نیمه‌باز تحت تاثیر تصمیمات ناظر بر طبقه‌بندی

زندانیان باز و نیمه‌باز پیشرانان اهداف بازپرورانه زندان هستند که تلاش می‌شود تا از حداکثر ظرفیت آنان برای بازاجتماعی کردن زندانیان و کاهش آثار مخرب زندان بسته استفاده شود. با وجود آنکه این زندان‌ها در اغلب نظام‌های کیفری تحت عناوین مختلفی همانند زندان‌های باامنیت پایین یا طبقه چهارم زندان‌ها عینیت یافته‌اند، ولی مدل زندان باز که در کشورهای اسکاندیناوی اجرا می‌شود، در نوشتگان کیفرشناختی شهرت قابل ملاحظه‌ای دارند.

جان پرت^۱ عملکرد زندان‌های کشورهای اسکاندیناوی را در قالب ایده «خاص‌گرایی اسکاندیناویایی»^۲ مفهوم‌سازی کرده که براساس آن صرف محکومیت فرد به مجازات زندان، به‌تنهایی یک نوع مجازات به حساب می‌آید و چگونگی رفتار با زندانی نبایستی منتهی به تقلیل جایگاه وی به‌عنوان یک انسان شود (پرت، ۲۰۰۸، ص ۱۲۰). یکی از ابعاد مهم خاص‌گرایی اسکاندیناوی را می‌توان در ماهیت و کارکرد زندان‌های باز در این کشورها مشاهده کرد. علیرغم وجود تفاوت‌های جزئی در شیوه اداره زندان‌های باز، به نظر می‌رسد اندیشه بازپروری نظریه اصلی در تصمیم‌گیری مقامات در چگونگی شمول زندانیان در یکی از انواع زندان‌ها به شمار آید. به باور بسیاری از جرم‌شناسان، آماده کردن زندانیان برای آغاز زندگی پس از زندان نیازمند آن است که آنها حداقل بخشی از محکومیت خود را در محیطی شبیه اجتماع بگذرانند (Andvig et al., 2020, p.12-14).

۱. Pratt

۲. به باور پرت، فرهنگ حاکم بر این کشورها زندانیان را همچون بقیه اعضای جامعه و مشتریان دولت رفاهی می‌شناساند و به تبع همین نگرش، رفتار مبتنی بر ملایمت و تسامح با زندانیان، ویژگی اصلی محسوب می‌شود (Pratt, 2008, p.124; Shammas, 2015, p. 6). ساختار کوچک زندان‌های بسته و روابط مبتنی بر احترام میان زندانیان و ماموران در این زندان‌ها امکان تحقق سیاست‌های بازپروری را بیشتر فراهم می‌کند و بدین دلیل میزان خودکشی، رفتارهای خشن و تکرار جرم در میان زندانیان زندان‌های بسته بسیار پایین است (Helgesen, 2011).

درست براساس همین عقیده است که در برخی از این کشورها زندان‌های باز در محیط‌های شهری ساخته شده و فاصله اجتماعی بین زندان و محیط اجتماع اندک است. در اکثر این زندان‌ها به زندانیان اجازه داده می‌شود تا فعالیت‌های شغلی را در بخشی از شبانه‌روز در بیرون از زندان ادامه دهند و فقط ساعاتی از روز را در خوابگاه‌ها سپری و در پایان هفته نیز در کنار خانواده‌های خود زندگی کنند (Reiter, Sexton, & Sumner, 2018; Martí, 2019, p.214) در زندان‌های نروژ نیز با اینکه زندانیان اصولاً در محیط زندان به فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری و مشابه آن اشتغال دارند، ولی به گواهی پژوهش‌ها، ویژگی‌هایی همچون اعتماد به زندانیان در مورد چگونگی استفاده از ابزارهای مورد نیاز برای این مشاغل، فضای اجتماعی میان زندانیان و افسران و غیره آنها را از زندان‌های بسته کاملاً متمایز و انسان‌گرایی و شفافیت را خصوصیت اصلی این زندان‌ها معرفی می‌کند. برقراری ملاقات‌های متعدد هفتگی با خانواده زندانیان و دیگران، امکان حضور پایان هفته زندانیان در خارج از زندان، پرداخت حقوق متعارف و مساوی با مشاغل خارج از زندان، حق استفاده از لباس‌های شخصی در طول دوران محکومیت و غیره همگی از امتیازاتی هستند که موجب افزایش اعتماد به نفس و احساس عاملیت برای کنترل رفتارها در زندان‌های باز می‌شوند (Ekunwe, 2007; Shammas, 2015, p.4; Andvig et al., 2020, p.14) به باور کرو و لوینز (2020)، رابطه افقی میان زندانیان و ماموران در این زندان‌ها، زندانیان را قادر می‌سازد تا در فرایند بازساخت روایتی، هویت جدید غیرمجرمانه‌ای را برای خود تعریف و آن را مبنای رفتارهای خود قرار دهند.

اما مطالعه تطبیقی این زندان‌ها با آنچه که در نظام عدالت کیفری ایران وجود دارد، داده‌های متفاوتی را از چگونگی این زندان‌ها ارائه می‌کند. این زندان‌ها، با اتکاب سرمایه اجتماعی به وجود آمده و تاثیرگذاری متفاوت بر زندانی، می‌خواهند وی را برای داشتن زندگی سالم امیدوار کنند اما تحت تصمیمات طبقه‌بندی ممکن است کارکرد آنها تغییر یابد. رویه‌های بکارگیری این نهادها بیانگر آن است که تصمیم-

گیرندگان با هدف کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها اخیرا به ظرفیت‌های قانونی این گزینه‌ها برای دستیابی به اهداف خود روی خوش نشان داده‌اند و بنابراین، شرایط و کیفیات اجرا، حداکثرسازی استفاده از این زندان‌ها را سیاستی در جهت تقویت ماهیت بازپرورانه زندان معرفی نمی‌کند.

زمانیکه کارکرد یک نهاد در اندیشه مقامات عدالت کیفری، نه براساس اندیشه‌های بازپروری که براساس دیدگاه‌های مدیریتی و ضرورت کاهش تورم جمعیت کیفری شکل گرفته باشد، سیاست‌ها و برنامه‌های زیرمجموعه آن نهاد قطعا متفاوت خواهد بود و حتی این موضوع ممکن است ماهیت آن نهاد را تغییر دهد. بنابراین، هرچند ممکن است عنوان این نهاد مشابه با عنوان زندان باز در سایر کشورها باشد، ولی چگونگی اجرای و شرایط زندانیان مشمول، مشابهت این نهاد را با زندان باز در کشورهای اسکاندیناوی تنها در حد تشابه اسمی باقی نگه می‌دارد. مصاحبه‌شونده شماره ۹ به رویه‌های کنونی برخورداری از زندان باز و نیمه‌باز تحت شرایط تورم جمعیت کیفری زندانها اشاره می‌نماید: «*لان اگه باهات مشکل نداشته باشنند، راحت میتونی بعد چند وقت تو پسته باشی یا رای باز بشی. اینقدر جمعیت تو زندان زیاده که خیلی‌ها کف خوابن و برای اینکه جا باشه، مجبورا به نوبت ماها رو تقسیم کنند.*»

در اکثر مدل‌های زندانهای باز، زندانیان ملزم به داشتن شغل در فضای خارج از زندان هستند و گزارش فعالیت‌های آنان به زندان ارسال می‌شود تا شرایط آمادگی شغلی پس از اتمام حبس به‌خوبی فراهم شود. اما نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که نظارت واقعی نسبت به چگونگی اجرای این مجازات صورت نمی‌گیرد و در مواردی زندانیان به صورت صوری در محل فعالیت معرفی شده حاضر می‌شوند، بی‌آنکه عملا شاغل باشند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در این خصوص اظهار می‌دارد: «*من در مغازه تعمیرات لوازم خونگی مثلا کار می‌کنم ولی الکیه و فقط میشینم تا ساعت تموم شه و بعد برم زندان خودمو معرفی کنم.*». ازسوی دیگر، رویه‌های متفاوتی در مورد چگونگی اجرا وجود دارد؛ براساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان در برخی شهرها

زندانیان در طول هفته، روزها در محل فعالیت و شبها در خوابگاه بوده و در پایان هفته به مرخصی می‌روند (و حتی ممکن است در طول هفته نیز مشمول مرخصی شوند). ولی در برخی دیگر از شهرها زندانیان یک هفته را به صورت اول سپری می‌کنند و هفته بعد را به صورت کلی به مرخصی اعزام می‌شوند. این تفاوت‌ها در شیوه‌های اجرایی تاندازه‌ای برآیند تورم جمعیت کیفری و ضرورت اعزام جمعی از زندانیان به بیرون از زندان است. حال آنکه هدف از طبقه‌بندی، اجرای برنامه اصلاحی و افزایش مهارت زندانی برای زندگی خارج از زندان است و وقتی که مقدمات بهبود مهارت‌ها فراهم نباشد، طبقه‌بندی را بیشتر به شکل ابزار مدیریت جمعیت درک خواهیم کرد.

۲-۴-۵. عدم طبقه‌بندی محکومان به حبس کوتاه مدت

شیوه اجرای مجازات زندان و نحوه توزیع در یکی از انواع زندان‌ها برای آن دسته از محکومانی که مشمول حبس کوتاه‌مدت شده‌اند، تحت ملاحظاتی مختلف متفاوت از بقیه محکومان است. محققان معتقدند که انجام فرایند طبقه‌بندی این زندانیان نیز ضروری است، ولی مدت ارزیابی آنان در مقایسه با بقیه بایستی کوتاه‌تر باشد (Bryans & Atabay, 2016, p.35-36). همچنین، در برخی نظام‌های عدالت کیفری این دسته از محکومان را در فرایند طبقه‌بندی در بازداشتگاه و یا اماکنی که متمایز از زندان است، نگهداری می‌کنند (بولک، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱). در ایالات متحده، اینگونه زندانیان اصولاً در موسسات کیفری کوچکی موسوم به 'Jail' محکومیت خود را سپری می‌کنند. در برخی ایالات با توجه به ظرفیت فیزیکی پایین این موسسات، زندانیان بدون انجام طبقه‌بندی خارجی و صرفاً براساس طبقه‌بندی داخلی، نگهداری می‌شوند ولی در

۱. به نظر میرسد معادل دقیقی برای این نهاد در زبان فارسی وجود ندارد. به لحاظ مفهومی اما Jail مکانی برای توقیف افراد در انتظار محاکمه یا برای حبس افراد به سبب جرایم سبک است.

برخی ایالات، این موسسات دارای سیستم طبقه بندی خارجی نیز هستند که براساس همان شیوه طبقه بندی زندانها است (Sherme & Bierie & Stock, 2013). در ایران به موجب تبصره ۲ ماده ۴ آیین نامه سابق، این امکان فراهم شده بود که با تصویب طرح ساماندهی منطقه ای زندانها، بتوان این دسته از اشخاص را در بازداشتگاه نگهداری کرد، ولی با توجه به عدم تدوین بسترهای قانونی، اجرای آن ممکن نشد.^۱ اما نگرانی مقامات از افزایش جمعیت کیفری به آنجا رسید که دیگر ضرورتی برای اجرای حکم حبس محکومان تا شش ماه حبس، احساس نکنند و با تصویب ماده ۱۴ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندانها مصوب ۱۳۹۸، مستقیماً آنها را به مرخصی اعزام و این دغدغه را رفع کنند.^۲

آنچه که این موضوع را به بحث ما مرتبط می سازد، موضوع عدم نیاز به طبقه بندی و ارزیابی این دسته از زندانیان است که با برداشت ضمنی از مفاد دستورالعمل بدست می آید. وظیفه مجازات حبس اصولاً بازپروری زندانیان است که بخشی از مقدمات اجرای آن، طی فرایند طبقه بندی زندانیان و تدوین برنامه های اصلاح و درمانی متناسب با هرگروه صورت می گیرد. حتی در مجازات های اجتماعی نیز بزهکاران اینگونه به حال خود واگذار نمی شوند. وقتی این فرایند را حذف و به جای آن بزهکاران را به حال خود رها کنیم، نمی توانیم تعهد یک نظام عدالت کیفری به سیاست های بازپروری را واقعی بدانیم؛ بلکه و بیشتر باید آن را به شکل یک پنداشت ذهنی ببینیم. البته، مقصود ما تحمیل قطعی مجازات زندان نیست، اما وقتی که احساس کردیم بزهکار حداقل نیازمند نظارت برای بازتوانبخشی است، بایستی طی فرایند طبقه بندی، آنان را تحت شمول برنامه های درمانی قرار دهیم. مصاحبه شونده شماره ۶

۱. البته، به طور کلی باتوجه به عدم الزام سازمان زندانها به اجرای برنامه های اصلاح و درمانی در بازداشتگاه طبق تبصره ۱ ماده ۷، تعهد به بازپروری اصولاً منتفی به نظر می رسد.

۲. در ادامه، آیین نامه جدید نیز طبق ماده ۳۱، نگهداری محکومان در بازداشتگاه را مطلقاً ممنوع شمرده و به بحث مذکور خاتمه داده است.

در تایید این استدلال اظهار می‌دارد که: «الان خیلی راحت شده، زندانی کوتاه مدت میاد، همون روز کار دکس (کارت عکس) میشه و همون روز هم میره و دیگه اصن برنمیگرده، انگار اصلا مجازاتی در کار نیست».

۶. نتیجه‌گیری

طبقه‌بندی زندانیان یکی از مهمترین سازوکارها جهت حداکثر رساندن ابعاد بازپرورانه زندان است که با تامین آن، مدیریت زندان‌ها کارتر خواهد شد؛ میزان خشونت کاهش می‌یابد و این امنیت بهبود یافته، کاهش هزینه‌های اجرایی را نیز به دنبال دارد. در واقع، هرچقدر زندانیان شیوه اجرای مجازات زندان را عادلانه‌تر بیندارد، کمتر احتمال دارد که قواعد آن را نقض کنند.

در ایالات متحده باینکه هنوز در سیستم طبقه‌بندی و به‌طور خاص جداسازی زندانیان پرخطر از کم‌خطر، عناصری از رویکردهای ناتوان‌کننده ملاحظه می‌شود، لکن تلاش می‌شود تا در راستای الزام به رویکرد تجربه‌محور در حوزه درمان، نیازهای جرم‌زا (درکنار ارزیابی خطر زندانیان) شاخص اصلی توزیع زندانیان و اجرای برنامه‌های اصلاحی متناسب با نیاز و خطر آنها به شمار آید. اما در کشورهای اسکاندیناوی با توجه به شفافیت سیاست کیفری در رابطه با الزام به بازپروری، نظام توزیع زندانیان و ماهیت زندانها بر مبنای این رویکرد شکل گرفته‌اند. در ایران، برابند اقدامات نهادهای مجری قانون در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که طبقه‌بندی ابزاری مدیریتی برای زندان‌ها و زندانیان است و به همین دلیل، گاه ضرورتی برای طبقه‌بندی احساس نمی‌شود و گاه باز طبقه‌بندی مطابق رویه‌های موجود اجرا می‌شود. از سوی دیگر، در رابطه با تصمیمات ناظر بر طبقه‌بندی نیز به‌رغم تحولات آیین‌نامه، معیارهای موجود پیش‌بینی‌کننده‌های ضعیفی برای سنجش رفتارهای آینده زندانیان به شمار می‌آید. حال آنکه اگر بخواهیم واقعا تورم جمعیت کیفری را حل کنیم، بایستی از مدل‌های سنتی ارزیابی فاصله بگیریم و آنان را با توجه به اتکاب معیارهای پویای

بازپروری همچون ارزیابی‌های خطر و نیاز بررسی کنیم. این ایرادات ممکن است بدین معنا باشد که مقامات طبقه‌بندی زندانیان را به‌عنوان یکی از ابزارهای بازپروری نمی‌بینند. به‌هرروی، سرمایه‌گذاری در رابطه با طبقه‌بندی زندان می‌تواند ما را به اثربخشی این مجازات امیدوار سازد و تنها اینگونه است که می‌توانیم به ارزش مجازات حبس در بازپروری زندانیان پی ببریم.

۷. فهرست منابع

۱-۷. فارسی

۱. بولک، برنارد، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶
۲. صفاری، علی، «انواع زندان‌ها و افراد قابل‌پذیرش در آنها»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، شماره ۲۳، ۱۳۸۶
۳. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «کیفرشناسی نو، جرم‌شناسی نو (درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار)»، *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)* کتاب اول، چاپ نخست، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۴. نیازپور، امیرحسین «تحلیل جرم‌شناسانه جداسازی زندانیان؛ بانگای به آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتم، شماره ۹۶، ۱۳۹۵.

۲-۷. انگلیسی

5. Andvig, E., Koffeld-Hamidane, S., Ausland, L. H., & Karlsson, B. Inmates' perceptions and experiences of how they were prepared for release from a Norwegian open prison. *Nordic Journal of Criminology*, 1-18, 2020

6. Austin, J., & Hardyman, P. L.. *Objective prison classification: A guide for correctional agencies*. US Department of Justice, National Institute of Corrections, 2004.
7. Bench, L. L., & Allen, T. D. Investigating the stigma of prison classification: An experimental design. *The Prison Journal*, 83(4), 367-382, 2003.
8. Bryans, S., & Atabay, T., *Handbook on the Management of High-risk Prisoners*. New York, UNODC, 2016.
9. Crewe, B., Soft power in prison: Implications for staff-prisoner relationships, liberty and legitimacy. *European Journal of Criminology*, 8(6), 2011.
10. Crewe, B., & Ievins, A., The prison as a reinventive institution. *Theoretical criminology*, 24(4), 2020.
11. Ekunwe, I., *Gentle Justice: Analysis of Open Prison Systems in Finland. A Way to the Future?*. Tampere University Press, 2007.
12. Johnsen, B., Granheim, P. K., & Helgesen, J., Exceptional prison conditions and the quality of prison life: Prison size and prison culture in Norwegian closed prisons. *European Journal of Criminology*, 8(6), 2011.
13. Kratcoski, P. C., The Functions of Classification and Assessment Models in Correctional Treatment. In *Correctional Counseling and Treatment* (pp. 113-130). Springer, Cham, 2017.
14. Lappi-Seppälä, T., & Tonry, M., Crime, criminal justice, and criminology in the Nordic countries. *Crime and Justice*, 40(1), 2011.
15. Liebling, A., Prison officers, policing and the use of discretion. *Theoretical criminology*, 4(3), 2000.
16. Long, J. S., *Appropriate classification of prisoners: Balancing prison safety with the least restrictive placements of Ohio inmates* (Doctoral dissertation, University of Cincinnati), 2020.
17. Martí, M., Prisoners in the community: the open prison model in Catalonia. *Nordisk Tidsskrift for Kriminalvidenskab*, 106(2), 2019.
18. Narag, R. E., Galehan, J., & Jones, C., Challenges to inmate classification in a developing country setting: implications for context-

- based inmate classification schemes. *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, 42(4), 2018.
19. Pratt, J., Scandinavian exceptionalism in an era of penal excess Part I: The nature and roots of Scandinavian exceptionalism. *The British journal of criminology*, 48(2), 2008.
 20. Reiter, K., Sexton, L., & Sumner, J., Theoretical and empirical limits of Scandinavian Exceptionalism: Isolation and normalization in Danish prisons. *Punishment & Society*, 20(1), 2018.
 21. Richards, S. C., & Ross, J. I., A convict perspective on the classification of prisoners. *Criminology & Public Policy*, 2(2), 2003.
 22. Shammas, V., A prison without walls: Alternative incarceration in the late age of social democracy. *Prison Service Journal*, 217, 2015.
 23. Frisch-Scott, N. (2020). *Prison Classification*. Oxford University Press.
 24. Shermer, L. O. N., Bierie, D. M., & Stock, A., Endogeneity in prison risk classification. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 57(10), 2013.
 25. Tahamont, S., *Essays on the effects of correctional policies on prison misconduct* (Doctoral dissertation, UC Berkeley), 2013.
 26. Walsh, A., Wells, J., & Gann, S. M., Assessment and Classification in Institutional Corrections. In *Correctional Assessment, Casework, and Counseling* (pp. 103-125). Springer, Cham, 2020.
 27. Ward, K., Longaker, A. J., Williams, J., Naylor, A., Rose, C. A., & Simpson, C. G., Incarceration within American and Nordic prisons: Comparison of national and international policies. *The International Journal of Research and Practice on Student Engagement*, 1(1), 2013.
 28. Worrall, J. L., & Morris, R. G., Inmate custody levels and prison rule violations. *The Prison Journal*, 91(2), 2011.

Evaluating the Process of Classifying Prisoners in the Iranian Criminal Justice System with a Comparative Approach

Azadeh Sadeghi^{1*}, Mahdi Gholampour²

1. Assistant professor of criminal law & Criminology, Faculty of law and political science, Mazandaran University, Babolsar, Iran
2. Ph.D. of criminal law & Criminology, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

Receive: 15/06/2021

Accept: 20/11/2021

Abstract

Criminologists have always believed that the classification of prisoners can improve the effectiveness of the prison, if it is based on the rehabilitation theory. By implementing this process, prison security can be secured and prisoners will have access to treatment programs. For these reasons, criminal justice authorities have also focused on evaluating and strengthening the classification system. Given the importance of the issue, the present study aims to study the process of classification of prisoners in the Iranian criminal justice system with a comparative approach. To do this, two research methods of document analysis and in-depth interviews (with prisoners and prison staff) have been used. The findings indicate that despite the changes done by new regulation in 1400, there is considerable discretion in distributing prisoners, and even practices determine the re-classification of prisoners. In addition, prison population inflation has affected the classification of criminals and even changed the function of open and semi-open prisons.

Keywords: Classification of Prisoners, Closed Prison, Open and Semi-Open Prison, Objective Classification, Prison Population Inflation.

* Corresponding author's E-mail: az.sadeghi@umz.ac.ir